

التوحيد

تأليف:

شیخ صدوق (ابن بابویه)

ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی

ترجمه

یعقوب جعفری

www.ketab.ir

ابن بابویه، محمد بن علی، ۳۱۱-۳۸۱ ق.

[التوحید، فارسی]

التوحید / تألیف شیخ صدوق ابن بابویه؛ ترجمه و توضیحات یعقوب

جعفری. - قم: اکرام، ۱۳۸۹.

ISBN 978 - 964 - 9996 - 98 - 1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. احادیث اخلاقی. ۲. اخلاق اسلامی. ۳. احادیث شیعه - قرن ۴ ق.

الف. جعفری، یعقوب، ۱۳۲۵ -، مترجم و مصحح. ب. عنوان.

۲۹۷

۴۱ خ ۲ الف / ۲۴۸ BP

انتشارات اکرام

دفتر مرکزی: قم - خیابان معلم - معلم ۱۰ - فرعی اول سمت راست - پلاک ۲۱. تلفن: ۷۳۷۱۰۲ - همراه: ۰۹۱۲۱۵۱۹۹۲۹

فروشگاه: خیابان صفائیه - کوچه ۲۴ (ممتاز) - پلاک ۶۵. تلفن: ۷۳۱۲۶۳ - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۳۷۱۳۵.

شناسنامه

□ نام کتاب: التوحید

□ مؤلف: شیخ صدوق ابن بابویه

□ مترجم: یعقوب جعفری

□ ناشر: انتشارات اکرام

□ لیتوگراف و طراح: مصطفی جعفری نیا

□ چاپ: چاپخانه ذاکر

□ نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹

□ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

□ قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۹۶-۹۸-۱

کلیه حقوق برای انتشارات نسیم کوثر محفوظ است

و فقط برای یک بار چاپ به این ناشر داده شده است

در قرن چهارم هجری، تشیع دارای دو مکتب و مشرب فکری در دو نقطه از بلاد اسلامی بود: مکتب بغداد و مکتب قم، این دو مکتب در اصل، هیچگونه تعارض و تقابلی با یکدیگر نداشتند اما در شیوه نگرش به بحثهای کلامی و اعتقادی و فقهی تفاوت‌های ویژه‌ای داشتند. مکتب بغداد که نماینده آن شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و شاگردانشان بودند در عین استفاده از احادیث معصومین (ع) به روشهای عقلگرایانه و نقادانه هم توجه خاص داشتند، ولی مکتب قم که نماینده آن شیخ صدوق و استادان و شاگردان او بودند، با حدیث‌گرایی و تعبد در روایات، از به کارگیری عقل در موضوعات دینی پرهیز داشتند و یا آن را به حداقل رسانیده بودند. شاید علت این تفاوت، ویژگیهای محیط زندگی این بزرگواران باشد، چون در بغداد شیعیان مستقیماً با اهل تسنن تماس داشتند و باید مسائل را به گونه‌ای مطرح می‌کردند که برای آنان قابل پذیرش باشد ولی در قم چنین نبود و استادان به حدیث معصومین (ع) می‌توانست قول فصل باشد.^(۱)

شخصیت بارز و برجسته مکتب قم بی تردید، شیخ صدوق محمدبن علی بن بابویه قمی متوفی (۳۸۱ هـ) بود که با مسافرت‌های خود و استماع احادیث از مشایخ، ثروت عظیمی از سخنان معصومین را اندوخته بود و مهمتر اینکه خداوند به او این توفیق را داده بود که این میراث گرانبها را با تألیف کتابهای متعدد به آیندگان تحویل دهد و می‌توان گفت که شیخ صدوق حقی بزرگ و یا بزرگترین حق را در پاسداری و انتقال

۱- درباره جزئیات تفاوت‌های این دو مکتب رجوع شود به مقاله "مقایسه‌ای میان دو مکتب فکری شیعه در قم و بغداد"

در قرن چهارم به قلم یعقوب جعفری که در مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید چاپ شده است.

احادیث معصومین به نسلهای بعدی دارد. او حدود سیصد جلد کتاب از خود به یادگار گذاشته است.

کتابهای حدیثی شیخ صدوق بسیار متنوع است و هر کدام با تبویب و فصل بندی خاصی نگارش یافته و هر یک عطر و طعم خاصی دارد و متأسفانه برخی از کتابهای او در طول زمان از میان رفته و به دست ما نرسیده است که از آن جمله می توان از کتاب «مدینه العلم» او یاد کرد که نجاشی از آن یاد کرده^(۱) و شیخ طوسی آن را بزرگتر از کتاب «من لا یحضره الفقیه» دانسته است^(۲)، این کتاب تا زمان شیخ عبدالصمد پدر شیخ بهایی در دسترس بود و از آن پس دیگر اثری از آن دیده نمی شود.^(۳)

به هر حال آنچه از مرحوم شیخ صدوق مانده نشانگر گستردگی اطلاعات حدیثی و تلاش بی وقفه او در گردآوری احادیث آل محمد(ص) بوده است و بر مایست که ارزش این میراث گرانبها را بدانیم و در پخش و نشر آن گامهای استواری برداریم. کتابهای شیخ صدوق بارها با ترجمه و بدون ترجمه چاپ شده ولی هنوز هم میدان برای این کار باز است.

در همین راستا، انتشارات نسیم کوثر تصمیم گرفت که برخی از این کتابها را همراه با ترجمه ای جدید و با قلم روز به ضمیمه توضیحات مختصری که فهم برخی از مشکلات احادیث را آسانتر کند، منتشر سازد و اینک متن کتاب «التوحید» که یکی از یادگارهای ماندگار شیخ صدوق(ره) است، همراه با ترجمه فارسی آن به قلم دانشمند بزرگوار حجة الاسلام و المسلمین آقای یعقوب جعفری، به علاقمندان آثار و علوم آل محمد(ص) تقدیم می شود.

انتشارات نسیم کوثر

۲. شیخ طوسی، الفهرست ص ۱۵۷

۱. رجال نجاشی ص ۳۸۹

۳. تهرانی، الذریعه ج ۲۰ ص ۲۵۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ، الْقَرْدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَا شَبِيهَ لَهُ، الْأَوَّلِ الْقَدِيمِ الَّذِي لَا غَايَةَ لَهُ، الْآخِرِ الْبَاقِي الَّذِي لَا نِهَايَةَ لَهُ، الْمَوْجُودِ الثَّابِتِ الَّذِي لَا عَدَمَ لَهُ، الْمَلِكِ الدَّائِمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ، الْقَادِرِ الَّذِي لَا يُعْجِزُهُ شَيْءٌ، الْعَلِيمِ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ، الْحَيِّ لَا يَحْيَاةَ، الْكَائِنِ لَا فِي مَكَانٍ، السَّمِيعِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَا آلَةَ لَهُ وَلَا أَدَاءَ، الَّذِي أَمَرَ بِالْعَدْلِ، وَأَخَذَ بِالْفَضْلِ، وَحَكَمَ بِالْفَضْلِ، لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ، وَلَا رَادَّ لِقَضَائِهِ، وَلَا غَالِبَ لِرِزَادَتِهِ، وَلَا قَاهِرَ لِمَقْشَتِهِ، وَإِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ الْمَرْجِعُ وَالْمَصِيرُ.

وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَخَيْرُ خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِ نَعْدُهُ خُجَّجُ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

قَالَ الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيهِ الْقُمِّيَّ الْفَقِيهَ نَزِيلُ الرِّيِّ مُصَنَّفُ هَذَا الْكِتَابِ - أَعَانَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى طَاعَتِهِ، وَوَفَّقَهُ لِمَرْضَاتِهِ - إِنَّ الَّذِي دَعَانِي إِلَى تَأْلِيفِ كِتَابِي هَذَا أَنِّي وَجَدْتُ قَوْمًا مِنَ الْمُحَالِفِينَ لَنَا يَنْسُبُونَ عِصَابَتَنَا إِلَى الْقَوْلِ بِالتَّشْبِيهِ وَالْجَبْرِ لِمَا وَجَدُوا فِي كُتُبِهِمْ مِنَ الْأَخْبَارِ الَّتِي جَهِلُوا تَفْسِيرَهَا وَلَمْ يَعْرِفُوا مَعَانِيَهَا وَوَضَعُوهَا فِي غَيْرِ مَوْضِعِهَا وَلَمْ يُقَابِلُوا بِالْفَاضِلِ الْفَاضِلِ الْقُرْآنِ فَقَبَّحُوا بِذَلِكَ عِنْدَ الْجُهَالِ صُورَةَ مَذْهَبِنَا، وَلَبَسُوا عَلَيْهِمْ طَرِيقَتَنَا، وَصَدُّوا النَّاسَ عَنْ دِينِ اللَّهِ، وَحَمَلُوهُمْ عَلَى جُحُودِ حُجَجِ اللَّهِ فَتَقَرَّبْتُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ بِتَصْنِيفِ هَذَا الْكِتَابِ فِي التَّوْحِيدِ وَنَفْيِ التَّشْبِيهِ، وَالْجَبْرِ، مُسْتَعِينًا بِهِ وَمُتَوَكِّلًا عَلَيْهِ، وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس خداوند یگانه را که شریکی ندارد یگانه و بی نیاز است و شبیهی برای او نیست، اول و قدیمی که پایان ندارد آخر و باقی که نهایی ندارد، موجود ثابتی که نیستی بر او راه ندارد، پادشاه جاویدی که زوالی دارد، توانایی که چیزی او را ناتوان نسازد، دانایی که چیزی بر او پوشیده نمی ماند؛ زنده ای که حیات او وابسته به کس دیگری نیست، موجودی که در مکانی نیست، شنوا و بینایی که ابزاری ندارد، آنکه به عدل فرمان داد و به نیکی عمل کرد و به حتمیت داوری کرد، کسی نمی تواند حکم او را دنبال کند و قضایی او را رد کند و بر اراده او غالب شود و بر مشیت او چیره شود. همانا فرمان او وقتی چیزی اراده کند. این است که به آن می گوید: باش، پس می شود. منزّه است آنکه منزّه است آنکه ملکوت هر چیزی در دست اوست و بازگشت به سوی اوست.

و گواهی می دهم که معبودی جز الله پروردگار جهانیان نیست و گواهی می دهم که محمد (ص) بنده و پیامبر اوست که سرور پیامبران و بهترین خلق اوست و گواهی می دهم که علی بن ابی طالب سرور اوصیا و پیشوای پرهیزگاران و رهبر سفیدپیشانیان است و امامان پس از او از نسل او حجت های خدا تا روز قیامت است. صلوات و سلام خدا بر همه آنان باد.

نویسنده این کتاب، ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، فقیه ساکن شهر ری - که خداوند او را بر طاعت و فرمان برداری خود، یاری و برای خشنودی خویش توفیق دهد - می گوید:

علتی که مرا به تألیف این کتاب فرا خواند، این بود که من با گروهی از مخالفان مواجه شدم که گروه ما را که فرقه ناجیه شیعه اثناعشریه اند - به تشبیه و جبر نسبت می دادند و این موضوع به دلیل اخبار و روایاتی بود که در کتابهای آنها آمده بود و تفسیر و شرح آنها را نمی دانستند و از معانی آنها آگاهی نداشتند، و از آنها در غیر موارد خود استفاده می کردند و الفاظ آنها را برابر الفاظ قرآن قرار نمی دادند و به این واسطه، چهره مذهب ما را نزد نادانان زشت جلوه می دادند و روش ما را برای ایشان پنهان و آشفته می کردند. آنها مردم را از دین خدا باز می داشتند و بر انکار حجت های خدا - که همان ائمه ابرارند - واهی داشتند. از این رو، با تألیف این کتاب در مورد توحید و نفی تشبیه و جبر، به سوی خدا تقرب و نزدیکی جستیم و این در حالی است که از او یاری می جویم و به او توکل می کنم که او برای من کافی و وکیل نیکی است و کار خود را به او واگذار می کنم.

بسم الله الرحمن الرحيم

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی

فهرست ابواب

۹	بخش اول: پاداش موحدان و عارفان
۲۷	بخش دوم: توحید و یکتاپرستی و نفی تشبیه
۸۱	بخش سوم: معنای واحد، توحید و موحد
۹۱	بخش چهارم: تفسیر سوره توحید
۱۰۳	بخش پنجم: معنای توحید و عدل
۱۰۵	بخش ششم: خداوند جسم و صورت نیست
۱۵	بخش هفتم: می توان نسبت به خدا چیز طلالی کرد
۱۹	بخش هشتم: آنچه در مورد رؤیت و دیدن خداوند وارد شده است
۱۴۱	بخش نهم: قدرت خدا
۱۵۷	بخش دهم: علم و دانش خدا
۱۶۵	بخش یازدهم: صفات ذات و صفات افعال
۱۷۷	بخش دوازدهم: تفسیر گفتار خدا: «هر چیزی جز وجه او نابود است»
۱۸۳	بخش سیزدهم: تفسیر گفتار خدا: «ای شیطان! چه چیز تو را باز داشت که بر...
۱۸۵	بخش چهاردهم: تفسیر گفتار خدا: «روزی که جامه از ساق پا برداشته شود و...
۱۸۷	بخش پانزدهم: معنای سخن خدا: «خدا نور و روشنی بخش آسمانها و زمین است»
۱۹۵	بخش شانزدهم: تفسیر گفتار خدا: «آنان خدا را فراموش کردند پس خدا نیز آنها را فراموش کرد»
۱۹۷	بخش هفدهم: تفسیر گفتار خدا: «وزمین، یکسره در روز رستاخیز در قبضه قدرت اوست
۱۹۹	بخش هیجدهم: تفسیر سخن خدا: «چنین نیست، آنان به راستی در آن روز از پروردگارشان محجوبند»
۲۰۱	بخش نوزدهم: تفسیر سخن خدا: «و پروردگار تو و فرشتگان صف به صف آمدند»
۲۰۳	بخش بیستم: تفسیر سخن خدا: «آیا انتظار دارند که خدا در سایه بانی از ابرها...

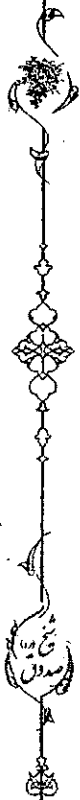


بخش بیست و یکم: تفسیر آیاتی چند: «خدا آنها را مسخره می‌کند.» و «خدا آنها را استهزا می‌کند.» و.....	۲۰۵
بخش بیست و دوم: معنای جَنب خدا.....	۲۰۷
بخش بیست و سوم: در معنای «حُجْزَه».....	۲۱۱
بخش بیست و چهارم: معنای چشم، گوش و زبان.....	۲۱۳
بخش بیست و پنجم: تفسیر سخن خدا: «و یهود گفتند: دست خدا بسته است، بسته باد دست‌های آنان!» و.....	۲۱۵
بخش بیست و ششم: معنای خشنودی خدا و خشم او.....	۲۱۷
بخش بیست و هفتم: معنای سخن خدا: «در او از روح خود دمیدم.».....	۲۲۱
بخش بیست و هشتم: در بیان نفی مکان، زمان، سکون، حرکت، فرود آمدن، بالا رفتن و منتقل شدن از خدا.....	۲۲۵
بخش بیست و نهم: نام‌های خداوند متعال و فرق بین معانی آنها و معانی نام‌های مخلوقین.....	۲۴۳
بخش سی‌ام: قرآن چیست؟.....	۳۰۳
بخش سی و یکم: معنای (بسم الله الرحمن الرحيم).....	۳۱۳
بخش سی و دوم: تفسیر حروف معجم.....	۳۱۹
بخش سی و سوم: تفسیر حروف جمل (ابجد).....	۳۲۵
بخش سی و چهارم: تفسیر حروف اذان و اقامه.....	۳۲۹
بخش سی و پنجم: تفسیر و بیان هدایت، ضلالت، توفیق و خذلان از خداوند تبارک و تعالی.....	۳۳۷
بخش سی و ششم: رد بر ثنویه و زنادقه و کار کردن می‌شود؟ امام رضا (ع) فرمود: «لطیف از ما آفریدگان.....».....	۳۴۹
بخش سی و هفتم: رد کسانی که معتقدند، خدا یکی از سه معبود است و حال آن که هیچ معبودی.....	۳۷۹
بخش سی و هشتم: بزرگی خدا.....	۳۸۹
بخش سی و نهم: لطف خداوند.....	۴۰۳
بخش چهلم: کمترین چیزی که در شناخت توحید کافی است.....؟.....	۴۰۵
بخش چهل و یکم: خدای عز و جل جز به خودش شناخته نمی‌شود.....	۴۰۹
بخش چهل و دوم: اثبات حدوث عالم.....	۴۱۹
بخش چهل و سوم: حدیث ذِعلَب.....	۴۳۹
بخش چهل و چهارم: حدیث «سَبَّخْتَ» یهودی.....	۴۴۹





تو حید



۴۵۳	بخش چهل و پنجم: معنای «سبحان الله»
۴۵۵	بخش چهل و ششم: معنای «الله اکبر»
۴۵۷	بخش چهل و هفتم: معنای اول و آخر
۴۵۹	بخش چهل و هشتم: معنای گفتار خدا: «خدای رحمانی که بر عرش استیلا دارد»
۴۶۵	بخش چهل و نهم: معنای سخن خدا: «عرش او بر روی آب بود»
۴۶۹	بخش پنجاهم: عرش و صفات آن
۴۷۳	بخش پنجاه و یکم: عرش چهارمین آفرینش بود
۴۷۵	بخش پنجاه و دوم: معنای گفتار خدا: «کرسی او آسمانها و زمین را گسترده است»
۴۷۷	بخش پنجاه و سوم: خداوند فطرت و سرشت خلایق را بر توحید قرار داده است
۴۸۱	بخش پنجاه و چهارم: در بیان بداء
۴۸۷	بخش پنجاه و پنجم: مشیت و اراده خداوند
۴۹۷	بخش پنجاه و ششم: استطاعت (توانایی)
۵۰۹	بخش پنجاه و هفتم: ابتلاء و اختبار (آزمودن)
۵۱۱	بخش پنجاه و هشتم: خوش بختی و بدبختی
۵۱۵	بخش پنجاه و نهم: نفی جبر و تفویض
۵۲۳	بخش شصتم: در بیان قضا، قدر، آزمایش، روزی‌ها، نرخها و مدت عمر
۵۵۷	بخش شصت و یکم: اطفال و عدل خداوند مهربان در مورد آنان
۵۶۹	بخش شصت و دوم: خداوند در مورد بندگان خود جز آنچه که برای آنها نیکو باشد، انجام نمی‌دهد
۵۷۹	بخش شصت و سوم: امر، نهی، وعد و وعید
۵۸۷	بخش شصت و چهارم: تعریف، بیان، حجت و هدایت
۵۹۷	بخش شصت و پنجم: مناظره امام رضا (ع) در حضور مأمون با اهل ادیان و اصحاب مقالات همانند
۶۳۱	بخش شصت و ششم: مجلس امام رضا با سلیمان مروزی متکلم خراسان، در مورد توحید و در حضور مأمون
۶۴۹	بخش شصت و هفتم: در بیان خودداری از سخن و جدال و جز و بحث درباره خداوند عز و جل